

مدیر کل

جلال الدین الحسینی مؤید الاسلام
 صاحب امتیاز روزنامه هفتگی
 و یومیه (جبل التین)
 (عنوان مراسلات)
 طهران خیابان لاله زار
 قاصد مدیر میرزا سید حسن کاشانی
 دبیر اداره آقا شیخ یحیی کاشانی
 غیر از روزهای جمعه همه روز
 طبع و توزیع میشود

کابلین

۱۳۱۱

طهران

قیمت اشتراك سالانه

طهران ۳۰
 سایر بلاد داخله ۳۵
 روسیه و قفقاز ۱۰
 سایر ممالک خارجه ۳۰
 (قیمت يك نسخه)
 در طهران صد دینار
 سایر بلاد ایران سه شاهی است

قیمت اعلان مطری
دوران است

روزنامه یومیه ملی آزاد سیاسی اخباری تجاری علمی ادبی مقالات عام المنفعه

بامضا قبول و درانتشار دره آزاد است

شنبه ۲۶ شعبان المعظم ۱۳۲۵ هجری قمری و ۱۸ مهرماه جلانی ۸۲۹ و ۱۵ اکتبر ۱۹۰۷ میلادی

(بالکونیک چه میگردد)

امروز بهر طرف گوش میدهم باسماں و زمین
 بکوه و دریا ، بدر و دیوار ، بشهر و بیابان نظر میکنیم
 از همگی بیک صوت بسیار رسای خوش ترانه آواز
 مژده و بشارت بسمع مان میرسد اهل بازار و کسبه ،
 اهل علم و طلبه ، اعیان و متشخصین ، سرداران و سران
 سپاه ، وزرا و درباریان ، خاوتیان و جلوتیان ، تجار
 و صرافان جملگی بیانک بلند فریاد میکنند ایران مشروطه
 و سلطنتش دستوره است احکام مجلس مطاع امر و کلاء
 لازم الاتباع است — دهانها پراز سوکندو قسم که با این
 اساس سعادت مخالفت نورزند و تا آخرین قطره خون
 را در حصول این خوشبختی بریزند — مخالفین موافق
 شدند دشمنان را دوست گرفتند خانه اعیان و رجال انجمن
 خدمت عده مدارس قدیمه و جدیده محل رواج متاع
 مشروطیت گردیده میدانها عرصه جولان قانون گردیده
 خلق یکدیگر را تبریک میکنند ملت همدیگر را تحریص
 و ترغیب میکنند منابر مخصوص ترویج این اساس
 کشته ، وعاظ و خطباء موعظه و نصیحت مینمایند محاسن و فوائد
 این عمل را شمرده ، در و دیوار درخت و سنگ حیوان و
 انسان آب و خاک متفق الکلمه بما حالی میکنند که خوشی
 و بزرگی شما منحصر بحفظ این نعمت خدا داد است
 ز نهار که قدر این کنج رایگان را ندانسته و اندکی در
 پرستاری و نگاهداریش غفلت کنید

هر روز نامه که از خارجه بایران وارد میشود
 خواه عربی خواه ترکی یا فرانسه یا انگلیسی یا ... از
 آزادی و بیداری اهالی این سامان مینویسند ، مختصر
 صدای حریت ما شده در اهل عالم افکنده و دشمنان را

متزلزل ساخته امروز در همه طول و عرض این ملک
 یکنفر را سراغ نداریم که منکر آزادی شود مردم را از
 اجتماع منع نماید انجمن را تجویز نکند نطق و بیان
 را مقید و محبوس سازد ، هر کس هم در باطن از این
 اوضاع خوش ندارد و استحکام عمارت مشروطیت را
 باعث خرابی دستگاه چپاول و غارتگری و مظالم میدانند
 در ظاهر جرئت دم زدن ندارد و باظهار آدمیت خود
 را در جرگه آدیبان داخل میسازد به آنها که خیلی
 گردن کلفت و قول چمقاق بودند سیر انداختند گردن
 خم کرده و سر تسلیم و اطاعت پیش آوردند — در
 بشره هر کس نگاه میکنی سیمای مشروطه طلبی است و
 سلولهای مغزها پراز خیال آزادی راستی مصداق این
 شعر گردیده :

(بر هر که نظر کردم سیمای تومی بینم)

(سرهای سر افرازان در پای تومی بینم)
 هر وقت از درب عمارت بهارستان شخص عبور
 میکند دستجات زیاد از آحاد ملت را دیده که چون حاجبان
 طوای کعبه مقصود را مصمم و مجنون وار حوالی کوی
 لیلی مشروطیت یعنی حوالی مجلس منور سر نیساز بر
 زمین و خاک نهاده اند ، اگر سردار است در راه مجلس
 سر را بدست گرفته تاجراست جان بازی را بهترین تجارت
 یافته مجتهد است جد و جهد در اجرای اوامر مجلس
 دارد وزیر است مسئولیت در آن محضر مبارک را مایه انتخاب
 شناخته — حاصل آنکه جلسی ایرانی نژاد و ساکن این
 خاک از شاه تا کذا همگان دم از خلوص عقیدت و صدق
 نیت در چنین مقصد اعلی و مقصود مملی زده از پای
 ملیر خطباء بر خواسته بانجمن میروند از انجمن در آمده ببنجلی

مشرفی میش
 مجلس و من
 سیر در ع
 نیز بکفر
 خور
 چه ایراد و
 لشیده ؟
 آقای پالکو
 فانک رجیبه
 و مرسوم
 دارد سر
 ببنجلی مقد
 سر
 اساس است
 مخفی برو
 دوستی
 وظیفه يك
 چه مناسبت
 مکر دست
 بوده بلکه
 بدخترانشان
 چه حق
 پس شما
 ندارد
 وزیر ج
 مقررات
 وزیر جن
 وزیر ج
 را قادر
 بلکه مسل
 بجهت آ
 قانون و
 بقانون ی
 ما ، بر
 و قانون
 بضرر ز
 حاد
 ما نوکر
 فرمانفرما
 — این
 دولت
 در استقلال

پیدا کرده می‌خواهند خدمت بکنند ، آنها که سی و چهل سال در نظام داخل بوده و قوه دائر نمودن و انتظام دادن بریکاترا دارند — بلی اسکر آنها راست می‌کویند باید این شررا از مهاجرین بیچاره رفع کنند و راضی نشوند تمام خلق ایران آزاد باشند جز مهاجرین و قزاقان

(طهران)

در شماره گذشته شرحی از همت انجمنهای محترم طهران و بعضی غیرتمندان برض رسانیدیم متمم آن مسئله را اینک عرض میکنیم که یکی از ارباب غیرت که زیاده از قدر خود خدمت نموده محمدرضاخان شجاع لشکر خلخالی است که از ابتداء مشروطیت سرآ و جبراً مشغول خدمات بود. از جان و مال گذشته و خلوص عقیدت خود را مکرر امتحان داده است و بسمت ناظمی انجمن آذربایجان منتخب و اکنون که نمایندگان انجمنها در مجلس مقدس تحصن جسته اند سمت ناظمی کل دارد و صبح تا عام آنی آسوده نیست و دراستخلاص حسن آقاها کرد عباس آقا نهایت جد و جهد را مبذول داشت که مشارالیه را مستخلص نمود — خاتمه را نیز بدو سه بیت از یکقصیده طرلانی که جناب صدر الابداء سروده اند ختم میکنیم

اسامی انجمنهارا که دیر و زود عده کردیم اکنون شرح میدهیم تا قدرشان معلوم گردد

(صورت اسامی انجمنهای متحد)

انجمن اصلاح . انجمن برادران دروازه قزوین .
 انجمن خراسان . انجمن اخوان حسن آباد . انجمن مودت .
 انجمن دانشمندان . انجمن عراق عجم . انجمن جنوب .
 انجمن طلاب طهران . انجمن اصفهان . انجمن استیفاء . انجمن تعصب . انجمن اتفاق طهران . انجمن شرفی ناصری . انجمن حقوق . انجمن برادران مرکزی امام زاده بحیی . انجمن محمدیه بهارستان . انجمن اتفاق جاوید . انجمن اصناف . انجمن پست . انجمن مهاجرین . انجمن سعادت دروازه قزوین . انجمن عشرت . انجمن خیریه محمدیه . انجمن مهدیه . انجمن حبیبی . انجمن قاجاریه . انجمن فاطمیه . انجمن قزوین . انجمن معمارخانه . انجمن توتو نچیان . انجمن لشکر نویسان . انجمن تجار . انجمن نصرت . انجمن خیریه محله بازار . انجمن آذربایجان انجمن متظلمین . انجمن فرضیه . انجمن قدسیه چاله میدان . انجمن لاریجان . انجمن قدسی خوزستان عربستان

(خنک گردون زیر ران احتشام السلطنه)

(عقل و همت هم عنان احتشام السلطنه)

(دین و دولت انتظام و روقی دیکر گرفت)

مشرقی میشوند در خانه نیز بچرائد و وطنیکه مشوق آزادی و دمای مجلس و منادی مشروطیت اند اشتغال دارند در خواب نیز سیر در عوالم مشروطه و قانون نموده متصل در عالم رؤیا نیز بیکر سعادت هستند

خوب پس در این میانه بر حسن خان سرهنک مهاجر چه ایراد وارد است ؟ مگر چه شده و چه حادثه رخ نمود ؟ تشیده ؟ خیر بفرمائید بشنوم ، جناب معلم بریکاد قزاق آقای پالکونیک بر مشارالیه غضب کرده و بخطاب فاخر ج فانک رجیم از اداره قزاقخانه اخراج بلکه تمام مواجب و مرسوم و حقوق و امتیازاتش را سلب کرده اند که چه معنی دارد سرهنک قزاقخانه بانجمن آذربایجان برود روزها بمجلس مقدس عبور کرده لای مشروطیت و آزادی بزند سرهنک قزاق باید تابع فرمان پالکونیک باشد با اساس استقلال ایران دعمنی داشته قشجات و رایورتهای مخفی بروسیه بفرستد . ترا با وطن پرستی چکار و با دوستی مجلس چه مناسبت — خوب این امور که از وظیفه یک نفر معلم خارج است مشاق را با فرمانرمانی چه مناسبت و با اخراج سرهنک چه کار — شاه شهید مکرر دستخط کرده که مهاجرین باید همیشه دارای حقوق بوده بلکه بالارث و با اولاد و اعقاب و اگر پسر ندارند بدخترانشان و بالاخره بز نانشان منتقل گردد پالکونیک چه حق دارد خود سرانه بدینگونه امور اقدام کند ؟ پس شما خبر ندارید که بوزیر جنک هم اعتناء ندارد و احکام او را نیز اطاعت نمیمائید خود را در مقابل وزیر جنک میشمارد ؟ مگر در ایران دو وزیر جنک مقرر است ؟ نه اما ایشان زیر بار نمیروند و کار یک وزیر جنک نمیتواند بکنند ایشان مستقلاً اقدام می کنند وزیر جنک بدون صدور دستخط همیونی عزل بگردار را قادر نیست ولی پالکونیک سرهنک و سرتیب را عزل بلکه مسلوب الحقوق میسازد چرا این کارها را میکند ؟ بجهت آنکه بترقی ایران مایل نیست — با کدام قانون و بجهت جرت اینطور بی باکانه رفتار می کنند ؟ بقانون بیدرستی و کم حالی ما ، بجرت نادانی و جهالت ما ، بمر عوقبت و بز دلی ما ، بقوه حقوق نشناسی و قانون ندانی ما ، بزور ابلهیی و بی وجودی ما ، بضر زهر چشم گرفتن از ما و

حالا چه باید کرد ، باید خدمت ایشان عرض کرد ما نوکر خواسته ایم آنا لازم نداریم ما مشق خواسته ایم فرمانفرما لازم نداریم ما معلم خواستیم سه سالار لازم نداریم — این حرفها که باید بگوید ؛ انجمن خدمت سران دولت . اعیان ملت اینها که میگویند ما از جان و مال در استقلال وطن گذشته ایم . آنها که تازه شوق و شور

باب غرق کرده اند بعضی را شکم پاره کرده اند زخمی با عفت آ که بعد از مرگ خلاصی جسته از سر تا پا برهنه و عریان بعضی کل و لجن و بعضی علفهای سبزه را سانه عورت کرده پاره کرده بسته بدسته روپوش می آیند و جناب آقای میرزا جعفر مجاهد ففاز هم در اردو بود از فراری که مسموع شد با سرباز تسلیم شده و قلعه خوی هم خیلی اغتشاش است و دیروز گذشته سه نفر را که عبارت از جناب حاجی سیرز ابراهیم آقای مجتهد با گماشته معزی الیها در ب خانه خودشان و آقایاباه اخوی حاجی امام جمعه خوی وکیل آذربایجان را در معبر عام بضر ب کلوه کشته اند قاتل معلوم نیست از این جهت راه عبور و مرور در شهر هم بسته شده کسی جرئت بیرون آمدن از خانه ندارد

(لنگرود)

چندی است فدائیان وطن محض انجادی که برای پیشرفت مقاصد مجلس شورای ملی با جناب مستطاب آقای آشیخ محمد واعظ سلطان المتکلمین دامت برکاته بسته بودند و حضرت معظم الیه هم محض شرارت و استبداد حاجی مشکوة السلطنه و بسکان او که سابق حکومت داشت حالیه چندی است در رشت به ایالت و انجمن رشت در گفتگو میباشند از مفا رقت معظم الیه طاعت فدائیان بطلاق رسیده محتمل است عمایق آتوب عظیمی بر پا شود خداوند بهمه رحم فرماید از فرار معلوم آقای منجم باشی را هم کسی سال است حکومت داشته و خیلی خوب بارعایا سلوک کرده و حالیه در طهران است جدأ برای حکومت از دولت و مجلس مقدس خاستکارند تا جد چه شود بنمیده جمعی اگر آقای منجم باشی بیایند تمام امورات لنگرود منظم خواهد شد میگویند خیلی آدم خوب بی طمع ملت پرستی بود

(ایضاً لنگرود)

وضع حکومتی لنگرود خیلی موشوشه حکمی و نه حا کمی در میان است هر کس برای خود حاکم است اخذ مالیات محض نبودن حاکم خیلی سخت و دشوار بعضی از رعایا میگویند تا منجم باشی نباشد مالیات نمیدیم جهة آنکه دو سال است منجم باشی موزول شده و چند نفر دیگر حکومت کرده اند و نتوانسته اند ترقیب کار بدهند و موزول شده اند باز ما میحاکم مانده ایم همان حاکم سابق خودمان را میخواهیم

حاصل نوغان و برنج کاری اسال خیلی خوب شده ولی باید در مملکت عثمانی صرفی شود خوب بود عجالتا وطن پرستان ارض القدس را بتبایب تبدیل میکردند و ثروت خود را بچاک عثمانی نمی ریختند دیگر میرزا ابراهیم خان نامی اهل طهران يك دستکاه سمیونوگرافی

- (از حسام چاکستان احتشام السلطنه)
 (گر عقول مردمان سنجید افزون از همه)
 (هست عقل نکته دان احتشام السلطنه)
 (از جفای خائن ابن ودولت زین سپس)
 (رفت باید در امان احتشام السلطنه)
 (از برای دفع دشمن چون عصای موسوی است)
 (کلک مشکین در بنان احتشام السلطنه)
 (صحبت قانون و شور مجلس در بار شاه)
 (در جهان شد داستان احتشام السلطنه)
 (اندران مجلس میان جمع بس درها نشاند)
 (هر دولتل در فشان احتشام السلطنه)
 (خواست گردد شاه ما چون امپراطور پروس)
 (زین جهت ورد زبان احتشام السلطنه)
 (گشت قانون عدالت تا شود آباد ملک)
 (آفرین بر جسم و جان احتشام السلطنه)
 (تاجهان باقی بود با عزت و عیش و طرب)
 (باد باقی خانمان احتشام السلطنه)

(خوی)

امتیث از همه بابت از اهالی سلب شده مدت یکماه متجاوز است که دکان بکلی مسدود در تلگرافخانه متحصن کبه و اصناف بیچاره و پریشان با وجود این پریشانی تعدیات این هفته اقبال السلطنه را زبان یاری گفتار و گوش طقت شنیدن ندارد و مظلومیت اهالی بدرجه رسیده که هر شخصی که صبح از جهت تحصیل قوت لایموت بیرون میاید اهل و عیال را وداع باید نماید در ظرف این هفته چند نفری بریاست نواب والا مقتدر الدوله وارد در محل سکن آباد از مجال خوی اکراد میلانی و جلالی و اکراد ساقو و عشایر تبیه عثمانی مع خوانین ما که همدست شده اردورا محاصره کرده بعد از زد و خورد بسیار تردید بود که اگراد شکست بخزند به تحریک یک نفر صاحب منصب جوان بی تجربه که از خوی به اشاره مستبدین بار دو رفته بود اردورا تسلیم نموده بعد از تسلیم سلاح و جبه خانه و تلفک دیوانرا دادن مجددا ایلخانی فرمان شلیک به بیچاره ها سرباز و ملت داده اند اینقدر جسارت میکنم کاری بروز کار این رعیت مظلوم بیچاره آورده اند که شهر بر سر اطفال امام ۳۴ تاوره بود تماماً کشتگان از حد و خصر فزون نمیش بالای نش بر غسل بی کفن در آفتاب گرم افتاده با وجود این طرح نکرده بعضی را آتش زده اند چند پارچه دره را که همراهی بالردوی ملتی کرده بود بعد از غارت مردان را کشته بعضی از اطفال را رنده بر سر نوزه زده اند بعضی را

تایید افکار و خیالات صائبه عقلا بیان نموده و گفته است که من اغلب ایام در این خیال و تفکرم که آیا بالاخره من مجبور نخواهم شد که چنانچه در اداره نظام، مقرر است برای هر وزارتخانه هیئت آله زور (هیئت صاحب منصفان عمده که بصیر و خبیر از حال امور اداره اند) تشکیل و تا سیس نمایم زیرا که باین وسیله قطعاً بمقصود اصلی که نظم و ترتیب تام میباشد زودتر نایل خواهیم شد چنانچه دیدیده شد در خصوص طاعون پس از تعیین و معمول کردن هیئت اخصاص عالم و خبیر برای تحقیق و تفتیش در مرض مزبور و ملاحظه آن بطریق آبله گویی کشف نموده

تلگرافی واصله از کاسا بلانکا حاکی است بر اینکه از طرفی فرانسویان بیش از یک نفر مقتول و شش نفر مجروح شده است در اردوی اعراب عساکر فرانسه چیزی قابل اعتنا نیافته و اغلب آشیانی را که غارت کرده اند بقصه در داخلی شهر نقل کرده اند جمعی را حکمان بر آست که شکست اخیر اثر و نتیجه مطلوبه نبخشیده زیرا از فرار معلوم قبایل و عشایری که از اطراف جمع آوری شده بودند بملاحظه قلت آرزوه و عدم لوازم اردو در اردو نمانده و تفرق شده اند و مدودی را بجهت حفظ و حراست اردو باقی گذارده و خود مشغول جمع آوری آرزوه و علوفه اند که مجدداً باره مراجعت نمایند علیهذا شکست فقط بر همان عده مختصر مقیمین و پاسبانان اردو وارد آمده و اثر آن در کلیه عشایر اعراب چندان محسوس و مؤثر نیست

(اعلان)

(علم عکاسی جدید)

کتابی است مفصل که با کمال دقت با قرائت خیلی سهل تمام مطالب جدید و نو ظهور عکاسی را شرح میدهد تالیف کار نیک خان دالگیجیان هوا ساز و بروی تلگرافخانه مبارکه قیمت جنلی پنجهزار دینار است اگر از ولایات هم خواسته شود با اجرت پست باید ارسال شود

(اعلان)

دکتر استپانیا حکیم مخصوص دندانسازی اعلیحضرت همایونی در خیابان علاء الدوله رو بروی خانه امیر نظام کارخانه دندانسازی خیلی ممتاز و مکمل باز نموده و قبول می نماید همه جور ناخوشیهای دندان را ملاحظه نماید بطرز وسبک امریکائی و هم روز صبح از ساعت هشت الی دوازده فرنگی و بعد از ظهر از ساعت دو الی شش فرنگی در محل معروض برای رجوع کنندگان حاضر است

(حسن الحسینی الکاشانی)

با خود آورده بود که به مردم تماشاخانه دانه باعد و چند نفر از وطن پرستان با او قرار کردند ربع دخل خود را باید برای ایجاد مدرسه بدهی انهم با کمال رغبت قبول کردند اول چند نفر بدون بلیط تشریف فرما شدند مشارالیه هم چون شب اول بود دماغ آنها را نوزانید سخت گیری نکرد شب دوم باز همان اعضاء جمعی را با خود همراه کرده آوردند هنگام بلیط بر چیدن معلوم شد بلیط ندارند بیچاره با کمال ادب گفت در هیچ جای علم دیده نشده و رود مجانی باشد در صورتیکه شما میدانید من نصف دخل او را خرج شهر شما خواهم کرد چون پای مدرسه باز کردن در میان است توقع دارم بدون مساعده وجه بلیط را بدهید یک دونه صدای دادید ابود که بلند شده که ما اهل درب خانه حاکم بوده ایم نیاید پول بدهیم چون دیدند بخرج نمی رود فردا پیغام کردند اگر دیگر پرده سیموتوگرافی بر پا کردی چنین و چنان خواهیم کرد چون حاکم در میان نیست بیچاره دست پایی خود را جمع کرده میخواهد برود

اخبار تلگرافی خارجه

از لندن مجلس عمومی در یکی از شهرهای ناطال انعقاد یافته و اجماعاً رای داده اند که لازم است برای حفظ نظم و امنیت شهر قشون دولتی گذارده شود و این اقدام بواسطه هیجان و احتمال بروز فتنه و فساد است که از حالت بومیان اصلی ناطال مشاهده میشود

متجاوز از دوهزار و دویست نفر از کارگران چینی که در دوربان پای تخت ناطال مستخدم بودند دیروز بکشتی نشسته و بطرف چین عازم شدند

از لندن کمیسیون ثالث کنفرانس لاهه مجدداً در خصوص تنظیمات و قوانین استعمالات کارهای دریائی مباحثات و مذاکرات نموده و ترتیبات جدید بجهت حل این مسئله دادند

کشتی اعلیحضرت امپراطور روس که شکست برداشته بود مجدداً تعمیر شده و باب انداخته شد

بنا بر اطلاعات واصله از وینی پک (از شهرهای کانادا) انجمنهای نمایندگان تجارت و طرفداران عملجات پس از مشاوره زیاد با اتفاق آراء چنین رای داده اند که در خصوص اجیر کردن کارگران هند مخالفت نموده و بملاوه مالیات سرانه سنگینی بعملجات چینی کانادا تحمیل نمایند

هالرن وزیر جنگ انگلیس در شهر لیورپل در مجلسی نطق کرده و ضمناً شرح بسوطی از فواید و